

نیمتاج سلماسی

نخستین زنی که سیاست را

به شعر سرود

نیمتاج سلماسی در سلماس یکی از شهرهای پر آشوب دوره قاجاریه به دنیا آمد و در درگیری‌هایی که به سال ۱۲۹۸ شمسی در آن شهر اتفاق افتاد باعث قتل عام مردم بی‌گناه و ویرانی خانه‌ها و غارت اموال گردید هنوز در آن شهر زندگی می‌کرد. نیمتاج سلماسی به زبان‌های ترکی و انگلیسی تسلط داشت و پس از مهاجرت از سلماس در تهران زندگی کرد. شعر او آکنده از آرمان‌های اجتماعی و امید به آرامش و نظم در میهن شکوهمندش بود او شاعری مترقی و آزاده بود.

بر این شبکه رسیدیم که در قدیم‌ترین تذکره نایب یعنی لایب‌الالباب محمد عوفی (تألیف ۱۳۱۷ ق) نام دوزن شاعر عینی را به دو دختر کاشغری آمده است و در تذکره الشعراء دولتشاه سمرقندی (تألیف ۱۸۹۲ ق) نام چهار زن شاعر آمده یعنی پیری، مهستی، دلارام چشای و جهان خاتون و جالب است که بر اینده در هم‌ترین منبع ادبی قرن نهم قمری یعنی مجالس النایب امیر علی شیر نوری که ۳۸۵ مرد شاعر را معرفی کرده نام زنان شاعر حذف شده و تنها از دوزن شاعر یاد شده آن هم زیر نام زنان!



دکتر روح انگیز کراچی - محقق و شاعر - در کتاب اندیشه نگاران زن در شعر مشروطه تحقیقاتی پیرامون نیم تاج سلماسی به رشته تحریر درآورده است. گفتار زیر بخشی است پیرامون شعر و زندگی آن شاعر عصر مشروطه.

ما داریم می‌دانیم که مشروطه جریانی است اصالتاً سیاسی - اجتماعی، به عقیده شما پرداختن اهل ادب به مشروطه و درآمیختن با جریان‌های سیاسی اساساً بر مبنای چه ضرورتی انجام گرفته است؟

شرایط خاص سیاسی، اقتصادی، اجتماعی اواخر دوره مظفرالدین شاه ایجاب می‌کرد که هنرمند، محرک جریان‌های مترقی، تاثیرگذار و راهنمای اجتماع باشد و جامعه ایستا و روبرو زوال آن دوره را به جامعه‌ای پویا و زنده بدل کند، انگیزه‌ای این چنین قوی و همچنین نیاز به آزادی، قانون، عدالت و هنر آگاهی بخشی، روشنفکران و آزادیخواهان را وادار کرد که با انتشار کتاب، شینامه و جراید فعالانه وارد حوزه عمل شوند و جامعه را به رشد فرهنگی بایستای برسانند که مردم در برابر اقتدار عین الدوله و استبداد علاءالدوله و ظلم و زور اطرافیان شاه مطیع و فرمانبر نباشند و به عنوان زندگی هر جوروری را تحمل نکنند، چنین کردند هنرمندان پیشاز این دوره، موقعیت جامعه را دریافتند و نیروهای انسانی را به جوش و خروش درآوردند و از شعر به عنوان یک وسیله مبارزه استفاده کردند، بنابراین هنر مترقی این دوره همچون نیروی محرکه‌ای جامعه را به یک حرکت انقلابی وادار کرد و آن ضرورت تاریخی را هنرمندان با نگاهی پامبرانانه خود زودتر از همه دریافتند.

قانون خواهی، آزادی دوستی و روشنگری از ویژگی‌های بارز شاعران این دوره است، آیا چنین ویژگی‌هایی را در آثار نیمتاج سلماسی هم می‌توان دید؟

چنین گرایش‌ها و اندیشه‌هایی محصول دوره و موقعیت خاصی است که بهتر است نخست موقعیت تاریخی آن دوره روشن شود. هنگامه جنگ اول جهانی بود و اوضاع ایران بسیار آشفته بود، اگرچه به ظاهر ایران دارای پادشاه بود ولی احمدشاه قاجار، اقتدار کشورداری نداشت. کابینه‌ها مرتب عوض می‌شدند، علاءالسلطنه، مستوفی‌الملک، مشیرالدوله، عین‌الدوله، فرمانفرما، سپهبد اعظم، وثوق‌الدوله و...

جنوب ایران را سپاهیان انگلیس اشغال کرده بودند و روس‌ها، قزوین، ساوه، قم، اصفهان، کرمانشاه و... را گرفته بودند. در سال ۱۳۲۵ سربازان روس، شهرارومیه را آتش زدند. یک سال بعد جنگی بین مسلمان‌ها و آشوری‌های مسیحی در ارومیه و سلماس درگرفت که منجر به شکست مسلمانان شد، فعالیت داشت؟

بله، کمبود ماخذ در مورد زنان هنرمند به خصوص نیمتاج خاکپور سلماسی که فقط ۱۰ یا ۱۲ تذکره در مورد او به دو یا سه سطر اطلاعات و ۲ شعر از او اکتفا کرده‌اند طبیعی است که نوشتن نقد در چنین مواردی بسیار مشکل است. آیا نیمتاج هم چون تقی رفعت و شمس کسمایی که در نهضت شیخ مجید خیابانی حضوری فعال داشتند، در گروه خاصی فعالیت داشت؟

حیات و منتشر نشدن اثر و کم کاری زنان از علت‌های مهم است. برای نمونه نیمتاج حوالي سال‌های ۱۳۲۷ ق یعنی پیش از رضاشاه این شعرها را سروده ولی سال‌ها بعد توسط محقق هندی دینشاه ایرانی به جامعه ادبی معرفی شد یا ژاله، که ۲۰ سال پس از مرگش اشعارش به چاپ رسید (۳) و در انتها خود کم بینی زن‌ها... به عقیده شما بارزترین ویژگی‌های شعر سلماسی چیست؟

درو نمایه‌های میهن دوستی، آزادیخواهی و توجه به مشکلات زن از شاخصه‌های مهم شعر دوره مشروطه و پس از آن است که این هر سه ویژگی در اشعار نیمتاج سلماسی وجود دارد.

غزل زیر اثر معزوقه اوست که به مناسبت حمله بلشویک‌ها به ایران و حوادثی که مولود جنگ اول بین‌المللی بوده گفته است:

ایرانیان که فرکیان آرزو کنند
باید تختست کاوه خود جستجو کنند
مرد بزرگ باید و عزم بزرگ‌تر
تا حل مشکلات به نیروی او کنند
در اندلس تمایز جماعت شود یا
روزی که قادیسه به خوینها وضو کنند
ایوان بی شکسته مرمت نمی‌شود
صد بار اگر به ظاهر وی رنگ و رو کنند
شد پاره پرده عجم از غیرت شما
اینک بیاورید که زنها رفو کنند
نسون رشت موی پریشان کشیده صف
تشریح عیب‌های شما مو به مو کنند
دوشیزگان شهر ارومی گشاده روی
دریوزگی به بر زن و بازار و کو کنند
پس خواهران به خطه سلماس تاکنون
خون چکر
خون برادران همه بی‌خواب رو کنند
خونجی ذکر بیاید و طوفان وی زانو
تا لکه‌های ننگ شما بشستجو کنند
آزادگی به دسته شمشیر بسته اند
مردان همیشه تکیه خود را بدو کنند
قانون خلقت است که باید شود دلیل
هر ملتی که راجتی و عیجش خو کنند
نیمتاج سلماسی

تا جایی که من در منابع و ماخذ جست‌وجو کردم، چنین مطلبی نوشته نشده بود اما آگاهی او نسبت به مسائل و جریان‌های سیاسی و همچنین ذهنیت و معرفت سیاسی او با زنان دوره قاجاریه بسیار متفاوت است.

ما از این دست "شاعران" که مورد کم مهری تذکره نویسان واقع شده‌اند کم نداریم، علت بی توجهی تذکره نویسان را در چه می‌دانید؟

طرز تلقی جامعه نسبت به زن و شیوه تفکر تذکره نویس دو عامل مهم در ارزیابی ریشه‌های تاریخی این حذف و فراموشی است که این‌ها جدا از ارزش‌های اخلاقی، مذهبی یک فرهنگ نیستند. در تحقیقی که راجع به تذکره‌های فارسی و زنان شاعر داشتم به این نتیجه رسیدم که در قدیمی‌ترین تذکره فارسی یعنی لباب‌الالباب محمد عوفی (تألیف ۱۶۱۷ ق) نام دو زن شاعر یعنی رایبه و دختر کاشغری آمده است و در تذکره الشعراء دولتشاه سمرقندی (تألیف ۱۸۹۲ ق) نام چهار زن شاعر آمده یعنی پیری، مهستی، دلارام چشکی و جهان خاتون و جالب است که بدانید در مهم‌ترین منبع ادبی قرن نهم قمری یعنی مجالس النایب امیر علی شیر نوری که ۳۸۵ مرد شاعر را معرفی کرده، نام زنان شاعر حذف شده و تنها از دوزن شاعر یاد شده آن هم زیر نام مردان!

بدین صورت که بیدلی مادر شاعری به نام شیخ زاده انصاری معرفی شده و در توضیح شعر مولانا سلیمانی نوشته است، مشهور است که این دو بیت از مهری زن حکیم طیبی است ولی این شعر از سلیمانی است! ببینید دیدگاه مرد محورانه امیر علی شیر نوری، وزیر و دانشمند معروف دوره تیموری تا چه اندازه متعصبانه است که زنان شاعر پیش از خود را حذف کرده، ۲۰ زن شاعر همزمان خود را (سده نهم قمری) را نادیده گرفته‌اند و از دوزن شاعر به تحقیر یاد کرده است، اما در تاریخ ادبیات فارسی حق به مقدار رسیده است و این دوزن مقامی برجسته‌تر از مردانی دارند که در مجالس النایب زیر نام آنها معرفی شده‌اند. درست برخلاف میل امیر علی شیر نوری (نقاد هوشیار زمانه) نام آن دو مرد شاعر را از صحنه ادبیات حذف کرد و مهری و بیدلی را به جای حقیقی خود نشانده. متأسفانه در طول تاریخ فرهنگ ما، این کونه بینی‌ها، و کج فهمی‌ها زیاد بوده و مردان قلم به دست به انصاف و از سرخس تیت درباره زنان نوشته‌اند!

آقای هادی مقدم دوست
ما هم همراه اندوه از دست دادن پدرتان به سوگ نشستیم. ایم.
دوستان و همکاران شما در پروین

دوست و برادر شکیبا و وارسته آقای هادی مقدم دوست
پیدا کردن جملاتی برای تسلیت به برادری چنین نزدیک، دشوار می‌نماید. تنها آرزو داریم شما اندوه از دست دادن پدر دوست داشتنتی‌تان را بیا صبر و تحمل تاب آورید.
معمومه بیات - حمید بعثت‌الم - رضا حسین

خانم دکتر روح انگیز کراچی
مصیبت وارده را تسلیت عرض کرده، از ایودمندان برای حضرتعالی صبر بی‌کران و برای مرحومه مغفوره رحمت بی‌منتها خواستاریم.
پروین